

درآمدی بر منطق هگل

اندی بلندن

مترجم:

اسدالله کشاورزی

روانامد

سرشناسه:	بلانندن، اندی.
	Blunden, Andy
عنوان و نام پدیدآور:	درآمدی بر منطق هگل / اندی بلانندن؛ مترجم اسدالله کشاورزی.
مشخصات نشر:	تهران، روزآمد، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:	۱۶۸ ص، مصور.
شابک:	978-600-6459-23-3
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا
یادداشت:	عنوان اصلی: Hegel's logic being part one of: the...
یادداشت:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت:	واژه‌نامه.
موضوع:	هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰ - ۱۸۳۱ م. -- نقد و تفسیر
موضوع:	فلسفه آلمانی -- قرن ۱۹ م -- منطق.
شناسه افزوده:	کشاورزی، اسدالله، ۱۳۴۳ - مترجم.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۲ د ۸ ب / B ۲۹۴۸
رده‌بندی دیویی:	۱۹۳
شماره کتابشناسی ملی:	۳۳۱۶۰۴۲

۶۶۹۷۲۱۴۲

افتخارات روزآمد

نام کتاب	:	درآمدی بر منطق هگل
نویسنده	:	اندی بلانندن
مترجم	:	اسدالله کشاورزی
حروف‌نگاری	:	توکلی
چاپخانه	:	عاج
لیتوگرافی	:	کارا
نوبت چاپ	:	اول، ۱۳۹۲
شمارگان	:	۵۰۰
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۴۵۹-۲۳-۳
قیمت	:	۸۵۰۰ تومان

آدرس: خیابان رودکی، نیش جمهوری، کوچه چهارمتری، پلاک ۵
تلفن: ۰۹۱۲۱۳۶۲۸۶۰ - ۶۶۴۳۴۲۵۱

... و عشق ماست لای برگ‌های هر
کتابی را که می‌خوانید.
(محمد زهری، از شعر "به آینده")



ترجمه این کتاب تقدیم می‌شود به
خاطره رضا کاکایی دهکردی انسانی که
زود هنگام به دیار سایه‌ها رفت.

یادآوری

در این کتاب تأکیدهای نویسنده با زیرخط،
مقوله‌های هگلی با کلمات پررنگ و نام
کتاب‌ها با کلمات ایتالیک نشان داده شده
است.

www.ketab.ir

فهرست

یادداشت مترجم	۸
۱- هگل جوان و انگیزه‌های او	۱۱
آلمان از هم گسیخته و از لحاظ اجتماعی و اقتصادی عقب مانده بود ..	۱۱
هگل یک مدرنیست مخالف لیبرالیسم بود	۱۵
«روح ملت» در شکل تاریخی زندگی ریشه داشت	۱۸
روح زمان به عنوان مفهومی وسیعاً پذیرفته شده، گرچه پرسش برانگیز، باقی می‌ماند	۲۱
روح سرشت انسان‌ها به طور دست جمعی است	۲۳
۲- پدیدارشناسی و «شکل‌بندی‌های آگاهی»: فلسفه کانت انسان‌ها را از هم گسیخته می‌کرد	۲۷
سوژه	۲۸
دوگانگی	۳۰
هگل سوژه فردی متعالی کانت را با سوژه فرهنگی - تاریخی عوض کرد ..	۳۱
ایده واحد جامع به مانع مفهوم و شهود است	۳۴
یک شکل‌بندی آگاهی قواعد استنتاج از زندگی و پروژه است	۳۸
منطق با مبانی محض تکامل آگاهی سروکار دارد	۴۵
۳- موضوع کتاب منطق	۴۷
منطق دانش شکل‌بندی آگاهی است	۴۷
منطق بنیان فلسفه بدون پیش فرض است	۵۱
منطق مطالعه تناقض‌های درونی مفاهیم است	۵۴

۵۶	انسان وارنگاری
۵۷	مسئله «مفاهیم متحرک»
۶۱	منطق با وضعیت‌های واقعی و نه انتزاعات ریاضی سروکار دارد
۶۵	۴- سه بخش منطق
۶۵	هستی، جوهر و مفهوم
۶۵	هستی مفهوم در خود است، و هنوز نه آگاهی از خود
۷۰	جوهر بازناب است
۷۳	مفهوم
۷۸	هستی و جوهر عامل تکوین مفهوم هستند
۸۱	هر قسمت شکل مماییزی از جنبش و تکامل دارد
۸۳	۵- دکترین هستی یا هستی‌شناسی
۸۳	«هستی مطلق است» آغاز فلسفه است
۸۶	هستی، نیستی و هستی متعین
۸۹	کیفیت، کمیت و اندازه
۹۳	در سپهر هستی فقط چیزی از پس چیز دیگر می‌آید
۹۵	۶- دکترین جوهر: واسطه‌گری یا حقیقت هستی
۹۵	این همانی، تفاوت، گوناگونی، تقابل، تناقض و زمینه
۹۹	چیز: دیالکتیک ماده و فرم
۱۰۱	نمود: دیالکتیک محتوا و فرم
۱۰۴	فعلیت: دیالکتیک علت و معلول، تعامل
۱۰۸	تکامل نبرد متقابلاتی است که محو نمی‌شوند
۱۰۹	۷- سوژه
۱۰۹	عام، خاص و فردی
۱۱۳	سوژه حقیقت هستی و جوهر است
۱۱۵	مفهوم همسان شدگی فردی، عام و خاص است

هر مرتبه واسطه‌ای بین دو مرتبه دیگر است	۱۲۱
هگل سوژه را به صورت نقد منطق صوری مطرح می‌کند	۱۲۴

۸- سوژه، ایزه و ایده	۱۲۷
سوژه از انتزاعی به مشخص تکامل می‌یابد	۱۲۷
رفع	۱۲۹
عینی شونددگی: مکانیسم، شیمی، غایت‌شناسی (وسيله‌ها و هدف‌ها)	۱۳۰
ایده وحدت زندگی و شناخت است	۱۳۵
نقد هگل از دوگانگی فرد - جامعه	۱۳۸
روح و ماده و سوژه	۱۴۰

۹- سوژه و فرهنگ: منطق و هستی‌شناسی	۱۴۱
هگل با منطق خود بر دوگانگی ذهن - ماده چیره شد	۱۴۱
دوگانگی	۱۴۲
تفسیرهای پراگماتیک از منطق	۱۴۵
وایگوتسکی	۱۴۸
منطق فهمی عقلانی از آگاهی اجتماعی به دست می‌دهد	۱۴۹
تاریخ و تکامل	۱۵۱
همه چیز بی واسطه و واسطه‌مند است	۱۵۳

۱۰- نقد دیالکتیک هگلی	۱۵۵
روح یک فرایند کامل است با موجودیت پیش از ظهور	۱۵۵
هگل تاریخ را با منطق همخوان کرد و نه بالعکس	۱۵۹
ابداعات مارکس: فعالیت، از خودبیگانگی، انتزاع، تولید	۱۶۰
طبیعت فهم شونده اما همچنین مستقل از فعالیت انسان است	۱۶۳
واژه‌نامه	۱۶۵

یادداشت مترجم

هگل را حداقل به دو مقصود می‌توان خواند. نخست به دلیل اثر بزرگ و غیرقابل انکار هگل و فلسفه‌اش بر اندیشه‌های معاصر وی و نیز جریانات فکری قرون بعد و نیز به دلیل اهمیت روش وی در فهم تشکیل اشکال گوناگون زندگی در جامعه مدرن. به عبارت دیگر، هگل بخش مهمی از تاریخ فلسفه را اشغال می‌کند و امروز تاریخ فلسفه بدون توجه کافی به هگل غیر ممکن است، و علاوه بر آن فلسفه هگل، به ویژه روش و مقوله‌های او منطق می‌تواند ابزار شناخت ارزشمندی باشد. در اهمیت خواندن هگل همان بس که لنین می‌گوید: «فهم کاپیتال مارکس» به ویژه فصل اول آن، بدون مطالعه گسترده منطق هگل کاملاً غیر ممکن است. در نتیجه، نیم قرن دیگر هیچ مارکسیستی مارکس نخواهد فهمید!!» (مرور کلی علم منطق هگل). فلسفه هگل یکی از منسجم‌ترین سیستم‌های فلسفی پدید آمده است و گرچه نقائص و اشکالات خاص خود را دارد اما کماکان می‌تواند به عنوان ابزاری برای شناخت فرایندهای تاریخی اجتماعی به کار رود.

یک ویژگی فلسفه هگل، مانند بسیاری از سیستم‌های فلسفی، دشواری مفاهیم آن است. این امر تا حد زیادی به طرز بیان دشوار و گاه غریب هگل برمی‌گردد. هگل از مقوله‌ها و مفاهیم خود چنان حرف

می‌زند که گویی آن‌ها موجوداتی خارج از انسان و در فرا و ورای آن هستند چنان که می‌توان آن را انسان‌وارانگاری یا خداگونه‌پنداری مفاهیم و مقوله‌ها خواند. ثانیه، بیان او به طور خالص فلسفی و انباشته از فرم‌های فکری محض و عاری از مثال و مصداق است. در این رابطه، هگل خود در پاسخ کسانی که درک مفاهیم فلسفی را دشوار می‌یابند می‌گوید ذهنی که به تصویرهای ساده و آشنا خو کرده وارد شدن به وادی مفاهیم ر مقوله‌های انتزاعی را دشوار و عذاب‌آور می‌بیند: «اما شکایت آنان که فلسفه غیر قابل فهم است بیشتر به خاطر دلیل دیگری است؛ و این آرزوی ناشکیبایی داشتن تصویری ذهنی از آن چه که به صورت فکری مفهوم در ذهن دارد می‌باشد. هنگامی که از آدم‌ها خواسته می‌شود تا مفهومی را ادراک کنند اغلب گله می‌کنند که آن‌ها نمی‌دانند که باید به چه چیزی فکر کنند. اما واقعیت آن است که در مفهوم چیزی بیشتر از خود مفهوم برای اندیشیدن وجود دارد. آن چه این گله مخشوف می‌کند اشتیاقی است که پس از داشتن تصویری آشنا حاصل می‌شود. ذهن، که از استفاده از ایده‌های آشنا محروم شده، احساس می‌کند زمانی که آن را محکم و آشنا می‌انگاشته به یکباره از زیر پایش خالی می‌شود و هنگامی که به قلمرو اندیشه محض رهنمون می‌شود نمی‌داند در کجای جهان ایستاده است.»

(منطق خرد § ۳)

با این تفصیلات خواندن هگل، به ویژه خواندن آن به زبانی دیگر، می‌تواند امری دشوار، خسته‌کننده و حتی غیر ممکن به نظر آید. به همین منظور، داشتن یک راهنما که تصویری جامع از فلسفه هگل به دست دهد و در همان حال از ساده‌سازی گمراه‌کننده اجتناب کند بسیار پراهمیت است. به همین دلیل، مقدمه اندی بلاندن بر منطق هگل می‌تواند شروعی مناسب باشد. این مقدمه به ما کمک می‌کند تا کمی دورتر بایستیم و با

خطوط اصلی سیستم هگل قبل از درگیر شدن با آثار وی آشنا شویم. در حقیقت، این امر به ما کمک می‌کند تا تصویر آشفته درختان باعث نشود از دیدن جنگل در کلیتش محروم شویم.

اندکی بالاتر از اواسط دهه نود خود را معطوف خواندن هگل کرده است. منطق را مغز و مهم‌ترین بخش سیستم هگل می‌داند و منطق را فرایند ظهور شکل‌بندی‌های نوین آگاهی می‌خواند. بالاتر تلاش می‌کند مقوله‌های اصلی سیستم هگلی را شرح دهد و ما را به سفر تکوین شکل‌بندی‌های نوین آگاهی از میان اشکال موجود و برهمکنش مهیج فرد، خاص و عام در پیدایش آگاهی که به بیانی مخلوق اندیشمندان و قهرمانان و به بیانی دیگر - و حقیقی‌تر - حاصل تلاش تمام جامعه انسانی - یا روح جمعی در کلام هگل - ببرد. البته نباید از یاد برد که این اثر صرفاً مقدمه‌ای خلاصه از منطق هگل است و پرواضح است که در عین مفید و راهگشا بودن خود می‌توان به پرسش‌های فراوان دیگری منجر شود که مستلزم مطالعه گسترده‌تر و دقیق‌تر فلسفه هگل خواهد بود. در هر حال امید است این ترجمه بتواند برای علاقمندان فلسفه مفید باشد و به فهم بهتر منطق هگل کمک کند.